

تطبیق شخصیت پردازی حضرت مریم (سلام الله علیها) در قرآن و مجموعه نمایشی مریم مقدس

سیده منیره موسوی ^۱

چکیده :

شخصیت پردازی زن در قصص قرآنی به نحوی است که زن به چهره واقعی و متناسب خود ظاهر می شود و ضمن هماهنگی با تمایلات و ویژگی های زنانه او، لطمه ای به عفت، پاکدامنی، درایت و نجابتش وارد نمی شود. مجموعه های سینمایی و تلویزیونی متعددی با اقتباس از این قصص قرآنی ساخته شده است که از جمله آنها، سریال مریم مقدس و یوسف پیامبر است که در این نوشتار به تطبیق شخصیت زن در قصه قرآن و مجموعه نمایشی مریم مقدس پرداخته شده است.

۱. کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی. مقاله حاضر بخشی از پایان نامه کارشناسی ارشد نامبرده است که برای تصویرنامه بازنویسی شده است

داستان تولد مریم

حنا (آنا)، مادر مریم و همسر عمران، یکی از شخصیت های برجسته بنی اسرائیل، و از طرفی خواهر اشیاع، همسر زکریا، بود که به گفته تاریخ و اخبار اسلامی هیچ یک صاحب فرزند نشده بودند. روزی حنا زیر درختی نشسته بود که پرنده ای را دید که به جوجه های خود غذا می داد؛ مشاهده این محبت مادرانه، آتش عشق فرزند را در دل او شعله ور ساخت و از صمیم دل از درگاه خدا تقاضای فرزند کرد و چیزی نگذشت که دعای خالصانه وی به اجابت رسید و باردار شد. در دوران بارداری، حنا در مورد آینده فرزندش فکر می کند و چون او را با دعا از خدا خواسته است برای خدمتگزاری خانه خدا نذر می کند و می گوید: «هنگامی را که همسرِ «عمران» گفت: «خداوند! آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که «محرر» ^۱ باشد؛ از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی!» (آل عمران: ۳۵) مادر پس از تولد و نامگذاری مولود، او را به کنیسه (معبد) برده و خطاب به علمای یهود گفت: این کودک هدیه بیت المقدس است، سرپرستی او را یک نفر از شما به عهده بگیرد. در میان آنها گفتگو شد و هر کسی می خواست افتخار کفالت و سرپرستی او را به عهده داشته باشد. طی مراسم خاصی زکریا- دایی مریم و برادر حنا- به عنوان کفیل و عهده دار وی انتخاب شد. مریم تحت تربیت معنوی و روحانی زکریا، پیامبر بنی اسرائیل، به رشد و بالندگی رسید. او در خانه خدا، بیت المقدس، همراه با پیامبر خدا، زکریا، بود و جوانه های عبودیت در گلستان وجودش می روید .

(علامه مجلسی: ۱۳۸۵: ج ۱۳: ۱۶۳، مکارم شیرازی: ۱۳۷۴: ج ۲۴: ۳۰۲، النعمانی: ۱۴۲۲: ج ۱: ۲۲، محلاتی: ۱۳۶۴: ج ۵: ۱۱۹ و ۱۵۳ و ج ۲: ۲۷۲)

۱. آزاد شده. کسی که نامزد خدمت در مسجد یا معبد باشد. (دهخدا)

داستان مریم (در قرآن)

«ای پیامبر یاد کن در قرآن سرگذشت مریم، دختر عمران پسر ماثان را آن گاه که از خانواده اش به جایی در جانب شرقی بیت المقدس کناره گرفت. «(مریم: ۱) مریم همیشه در معبد بیت المقدس به عبادت مشغول بود و برای رفع عذر به خانه خواهر خود الیزابت، زوجه زکریا، می رفت و برای طهارت و شستشو از آنها کناره گیری می کرد تا برای عبادت در معبد آماده شود و برای این کار بین آنان و خودش پرده ای آویخت» و ما روحمان را به سوی او فرستادیم؛ پس او به صورت انسانی کامل و بدون نقص در نزد مریم مجسم شد. مریم گفت: من از تو به خدای رحمان پناه می برم اگر تو پرهیزکار هستی. فرشته گفت: همانا من فرستاده پروردگار تو هستم تا پسری پاکیزه به تو ببخشم. مریم گفت: چگونه برای من پسری باشد درحالی که بشری با من تماس نداشته است و من زناکار نبودم. فرشته گفت: همین طور است؛ پروردگارت فرمود این کار بر من آسان است تا او را نشانه ای برای مردم و رحمتی از جانب ما قرار دهیم و چنین تصمیمی امری مقرر و پایان یافته است. پس مریم باردار شد و به مکان دوری از اهل خودش کناره گرفت»، «و میان خود و آنان حجابی افکند. در این هنگام، ما روح خود را بسوی او فرستادیم؛ و او در شکل انسانی بی عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد!» (مریم: ۱۷)

از قول خدا به او چنین می گوید «این، از خبرهای غیبی است که به تو وحی می کنیم؛ و تو در آن هنگام که قلم های خود را به آب می افکندند تا کدام یک کفالت و سرپرستی مریم را عهده دار شود، وبه هنگامی که با هم کشمکش داشتند، حضور نداشتی؛ و همه اینها، از راه وحی به تو گفته شد. «(آل عمران: ۴۴) در سوره چنین آمده است: «و هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری داده است. «(آل عمران ۴۲): در ادامه این سوره چنین آمده است: «هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را به کلمه ای از طرف خودش بشارت می دهد که نامش «مسیح، عیسی پسر مریم» است؛ درحالی که در این جهان و جهان دیگر، صاحب شخصیت خواهد بود؛ و از مقربان است. «(آل عمران: ۴۵)

(النعمانی: ۱۴۲۲: ج ۱: ۲۲ و محلاتی: ۱۳۶۴: ج ۵: ۱۱۹ و ۱۵۳ و ج ۲: ۲۷۲)

شخصیت و شخصیت پردازی حضرت مریم (در قرآن)

«مریم زیر شاخه درخت خرمایی رفت و از شدت حزن و اندوه با خود می گفت: ای کاش من پیش از این مرده بودم و از صفحه عالم نامم فراموش می شد. ندایی از زیر درخت آمد که غمگین نباش که خدای تو از زیر قدم تو چشمه آبی جاری کرد. ای مریم شاخ درخت را حرکت بده تا از آن برای تو رطب تازه فرو ریزد. پس تناول کن و

آب بیاشام و چشم خود به عیسی روشن دار و هر کس از جنس بشر را ببینی به او بگو: برای خدا نذر روزه سکوت کرده‌ام و با هیچ کس هرگز سخن نخواهم گفت. آن گاه قوم مریم به جانب او آمدند که از این مکان همراهش ببرند. گفتند ای مریم عجب کار منکر و شگفت‌آوری کردی. ای خواهر هارون تو را نه پدری ناصالح بود و نه مادری بدکار. مریم به اشاره حواله به طفل کرد. آنها گفتند ما چگونه با طفل گهواره سخن بگوییم. آن طفل گفت، همانا من بنده خاص خدایم. که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرموده و مرا هر کجا باشم برای جهانیان مایه برکت و رحمت گردانید و تا زنده ام به عبادت و نماز و زکات سفارش کرد.»

سرگذشت مریم در سایر منابع غیر اسلامی

در یک کتاب ساختگی عربی به نام «پدر مقدس سالخورده ما، مرد نجار (یوسف)»، در مورد کودکی مریم این‌گونه نوشته شده‌است: والدینش او را وقتی سه ساله بود به معبد بردند. او تا نه سالگی در آنجا بود. سپس وقتی کاهنان دیدند که مریم بزرگ شده‌است با خودشان گفتند: «بگذارید مردی را که بیش از همه خدا ترس است صدا بزنیم تا از مریم تا زمان ازدواجش که دیگر در معبد نخواهد ماند، مراقبت کند.» قبل از آن زمان اتفاق دیگری رخ داد که در پروونجلیم (انجیل ترجمه جیمز) به این صورت آمده‌است: کاهنان، کودک را پذیرفتند و بوسیدند و دعا کردند؛ سپس به او گفتند: خدا نام تو را بر تمام تبار روی زمین برتری خواهد داد. خدا روز دیگر خون‌بهای مردم اسرائیل را بر تو آشکار خواهد کرد» مریم همانند کبوتری در معبد ماند و از دست فرشتگان غذا دریافت کرد. وقتی دوازده ساله شد، کاهنان گرد هم آمدند و گفتند مریم دوازده ساله است و هنوز در معبد است برای او چه باید بکنیم؟ فرشته‌ای به کنار زکریا آمد و گفت: تمام مردان بی‌همسر را جمع کن و از آنها بخواه که یک چوب‌دستی با خود داشته باشند. خدا بر چوب‌دستی هر کس که بخواهد معین می‌کند که همسر مریم شود. جمعیت به تمام سرزمین یهودیه این مطلب را بیان کردند؛ همه آمدند؛ یوسف هم با چوب‌دستی خود به کنیسه آمد، همه به پیش کاهن بزرگ رفتند و چوب‌دستی‌ها را جمع کردند و به معبد رفتند و نماز خواندند. نماز که تمام شد، چوب‌دستی هر کس را به او دادند. بر روی هیچ کدام از آنها علامتی نبود. چوب‌دستی یوسف آخرین چوب‌دستی بود. پرنده‌ای از چوب‌دستی بیرون آمد و بر سر یوسف نشست. سپس کاهن به یوسف گفت: تو برای سرپرستی مریم از طرف خدا انتخاب شدی. پس از مراسم سرپرستی، مریم کوزه‌ای برداشت تا آن را با آب پر کند. صدایی شنید که می‌گفت: درود خدا بر تو باد؛ تویی که مورد مرحمت خدا قرار گرفته‌ای! خدا با توست و تو را بر همه زنان برتری داده‌است. او به چپ و راست خود نگاه کرد تا ببیند که صدا از کدام طرف می‌آید. درحالی‌که می‌لرزید به خانه برگشت و کوزه را بر زمین گذاشت و بر جایگاه خود نشست. صدایی از پشت سر به او گفت: مریم نترس! زیرا که خدا تو را مورد لطف خود قرار داده و با کلام او آباستن خواهی شد. روح مریم از شنیدن این سخنان مضطرب شد و گفت: آیا من قرار است همانند دیگر زنان باردار شوم و بچه به دنیا آورم؟ فرشته گفت قدرت خدا بر تو سایه خواهد افکند. پسر تو پسر خداست. نام او را عیسی بگذار. داستان اقامت مریم در معبد در کتاب‌های مختلف شباهت بسیار دارد. در کتاب «تاریخ قبطیان» در مورد مریم آورده شده که وقتی حنا او را در معبد گذاشت، فرشتگان از آسمان برای او غذا می‌آوردند و همانند کبوتران او را تغذیه می‌کردند.

وقتی خدا را در معبد عبادت می‌کرد، آنها به او احترام می‌گذاشتند و از درخت زندگی برای او میوه می‌چیدند. او آن میوه‌ها را با شادمانی می‌خورد. این عابد مقدس تا دوازده سالگی در معبد ماند. سه سال اول زندگی خود را در نزد والدین گذراند و نه سال دیگر را در معبد گذراند، کاهنان دیدند که او دوشیزه‌ای پرهیزکار و خدا ترس بار آمده‌است؛ با یکدیگر مشورت کردند و گفتند باید خدا ترس‌ترین مرد را پیدا کنیم که با مریم ازدواج کند. قبیله یهودیه را فراخواندند. آنها از دوازده قبیله اسرائیل نام دوازده نفر را انتخاب کردند و قرعه به نام پیرمردی به نام یوسف افتاد.

در قرآن هنگامی که مادر مریم، او را به دنیا آورد و دانست که او دختر است، چنین گفت: «ای پروردگار من، این که زاییده‌ام دختر است و پسر چون دختر نیست. او را مریم نام نهادم. او و فرزندانش را از شیطان رجیم در پناه تو می‌آورم.» (آل عمران: ۳۶) و این چنین است که مریم و فرزندش عیسی از

در پناه خدا قرار دارند. طبق اعتقاد بیشتر مسیحیان از جمله کاتولیک‌ها در مکاشفه یوحنا فصل دوازدهم که در مورد زن و اژدها، صحبت می‌کند، زن مریم مقدس و اژدها شیطان است، بچه‌ای که در این فصل در مکاشفه یوحنا از آن صحبت می‌شود عیسی مسیح است. در زیر پای اکثر مجسمه‌های مریم مقدس، یک مار به چشم می‌خورد که به معنی غلبه بر شیطان است.

یوسف بر اساس روایتی از انجیل برنابا، یکی از شاگردان زکریا بوده و از وی نجاری می‌آموخته است و ، از اناجیل

، ازدواج آنها را این‌طور بیان کرده‌است: «مریم چون دانا به مشیت خدا بود و در باطن ترسناک بود از اینکه به غضب درآید و طایفه‌اش بر او به واسطه اینکه آبستن است، سنگباران کنند او را که گویا او مرتکب زنا شده، شوهری از عشیره خود برای خود اختیار نمود خوش کردار، که یوسف نام داشت. زیرا نیکوکار و پرهیزگار بود و از محرمات خدای تقرب می‌جست و معیشت خود را به دست خود کسب می‌کرد؛ چون که او بود. این همان مردی است که او را

می‌شناخت و او را شوهر خود اختیار کرده بود و کشف کرده بود او را به الهام الهی.» (انجیل برنابا، ۲: ۱ تا ۳) بر اساس

، مریم و یوسف نجار که از خویشاوندان

بود، در یکی از

بزرگ

در نزدیکی

خدمت می‌کردند و هیچ کس از مردم، از آنها کوشا تر و عابدتر نبود. وقتی یوسف از باردار بودن مریم با خبر شد، قصد جدا شدن از او را داشت، اما خوابی دید که در آن فرشته‌ای به او گفت: «یوسف، پسر داوود (از نسل

پیامبر)، از ازدواج با مریم نگران نباش. کودکی که در اوست، از است.» یوسف تحت تاثیر این خواب، مریم را به خانه‌اش برد تا همسرش باشد. وقتی به دنیا آمد، با مطلع شدن از ظهور جدید در ، به آنجا هجوم بردند. یوسف، مریم و نوزاد را از خارج کرد و هر سه روانه شدند و یوسف نجار نیز در همان جا بدرود حیات گفت.

مریم (در فرهنگ مسیحی)

در قرن‌های نخستین مسیحیت، نزاع‌های فراوانی در مورد مسائل الهیاتی و از جمله تثلیث، وجود داشت. برخی مانند پیروان آریوس که البته این دیدگاه، امروزه طرفداران بیشتری پیدا کرده‌است)، منکر تثلیث بوده‌اند . (تونی ۱۳۸۰: ۵۰) گروهی (همانند تروپیکی‌ها و ماکدونانیست‌ها) تنها الوهیت پدر و پسر را می‌پذیرفته‌اند . (همان: ۶۰-۶۸) برخی نیز تثلیثی مرکب از پدر، پسر و مادر را می‌پذیرفتند. دیدگاه اخیر در برخی مجامع و از جمله در میان برخی از مسیحیان شبه جزیره عربستان نیز رواج داشت . (مونتگمری: ۱۳۷۳: ۳۹) یک نویسنده مسیحی در این باره می‌نگارد: «در قرن چهارم، بسیاری از بت‌پرستان داخل کلیسا گردیدند. . . این اشخاص بعضی موهومات و رسوم و اعتقادات بت‌پرستی سابق خود را نیز با خود همراه آورده، مسیحیت خود را با آن رسوم و عقاید ملبس ساختند. مثلاً به جای آنکه الهه زمان بت پرستی خود را عبادت نمایند، به عبادت مریم باکره پرداختند .» (میلر: ۱۳۸۲: ۲۵۸) البته گویا مسأله پرستش حضرت مریم، اختصاص به قرون نخستین مسیحیت نداشته است؛ چنان‌که در تاریخ آمده‌است، حتی تا قرن شانزدهم میلادی نیز برخی از شهرهای اروپایی به پرستش مریم باکره مشهور بوده‌اند . (تونی: ۱۳۸۷: ۲۷۷ و دورانت: ۱۳۷۰: ج ۸: ۵۴۷)

پدر و مادر، تاریخ ولادت

در عهد جدید، نام پدر و مادر حضرت مریم ذکر نشده است . تاریخ تولد آن حضرت را در حدود سال ۲۰ قبل از میلاد و زمان وفات ایشان در حدود سال ۳۵ میلادی تخمین می‌زنند. در مورد محل تولد مریم، منبع معتبری در دست نیست. همچنین هیچ گزارشی از محل و چگونگی وفات مریم، به‌طور عمومی مورد پذیرش کلیساها قرار نگرفته است و محل دفن ایشان نیز نامشخص است. در نوشته‌های آباء کلیسا نیز به ندرت به مریم اشاره شده است. تنها در قرون وسطی بود که توجه به حضرت مریم، اهمیت یافت. در این دوره، مقامی شامخ برای حضرت مریم مطرح گردید که از حد الوهیت پایین‌تر اما از فرشتگان و مقدسان بالاتر بود. باور عمومی در این دوره آن بود که فرشتگان و مقدسان، خدمت‌گذاران حضرت مریم هستند .

در باور مسلمانان، پدر مریم، عمران، مردی بزرگوار و دانشمند فرزانه ای از دانشمندان بنی‌اسرائیل بود. او نذر کرد اگر همسر نازایش حامله شود فرزند خود را به خدمت بیت‌المقدس بگمارد. خداوند دعای او را استجاب نمود و مریم حامله گردید. چون وضع حمل کرد از باب اعتذار و تأسف دست دعا به سوی خداوند بلند کرد و گفت: «خداوندا من او را دختر آوردم و پسر، همانند دختر نیست). دختر نمی‌تواند وظیفه خدمتگزاری معبد را همانند پسر انجام دهد. (من او را مریم نام گذاردم؛ و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می‌دهم. » (آل عمران: ۳۶) درحالی‌که مریم طفلی صغیر بود، پدرش عمران از دنیا رفت. مریم به کسی احتیاج داشت که مراقبش باشد و او را پرورش کند. مادرش او را به معبد سلیمان برد و تسلیم عابدان و پارسایان مقیم آنجا نمود. سرانجام زکریا که پیغمبر آن عصر و دایی مریم بود، کفالت او را به عهده گرفت و به منظور قطع نزاع بر سر کفالت او، به قرعه‌کشی روی آوردند که قرعه به نام او درآمد .

مریم تنها بازمانده از نسل عمران بود و بنی‌اسرائیل بر این اعتقاد بود که از نسل عمران، یک منجی متولد خواهد شد که ظلم و جور را از بین خواهد برد. حال با تولد مریم و مرگ عمران، اعتقاد مؤمنین بر این قرار گرفت که شاید این منجی از نسل مریم ادامه یابد. به همین علت برای کفالت او داوطلب می‌شوند تا این توفیق از آن‌ها باشد.

بارداری مریم (در انجیل)

داستان بارداری معجزه‌آمیز مریم تنها در دو انجیل متی و لوقا ذکر شده است. آن‌گونه که از گزارش انجیل متی بر می‌آید، حضرت مریم نامزد شخصی به نام "یوسف نجار" بوده است. یوسف که هنوز با مریم ازدواج نکرده و با وی همبستر نشده بود، متوجه بارداری مریم می‌شود. او که فردی پارساست تصمیم می‌گیرد تا بدون آنکه دیگران را از این گناه مریم خبردار سازد، وی را طلاق گوید. در این زمان است که فرشته‌ی الهی در خواب بر او ظاهر شده، می‌گوید که مریم، پاکدامن است و فرزندی که در رحم اوست از روح‌القدس است. پس از این واقعه، یوسف مریم را به همسری خویش در می‌آورد. (متی و لوقا، ۱: ۱۸ - ۲۵) در این انجیل، در مورد ملاقات جبرئیل با مریم و مطلع ساختن مریم از باردار شدنش توسط روح‌القدس گزارشی وجود ندارد ^۱.

در انجیل لوقا، داستان کمی متفاوت ذکر شده است. حضرت مریم، توسط جبرئیل بشارت می یابد «به اینکه حامله شده، پسری خواهی زایید و او را عیسی خواهی نامید.» (لوقا، ۱: ۳۱) در این انجیل چیزی در مورد واکنش یوسف به باردارشدن مریم نیامده و مطلبی نیز در مورد اینکه مریم، یوسف را از این واقعه خبردار ساخته باشد، نیامده است: گویا که یوسف از واقعیت امر بی خبر بوده و عیسی (را) فرزند خود می دانسته است.

۱. در متن این انجیل آمده است: اما ولادت عیسی، چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود، قبل از آنکه با هم آیند، او را از روح القدس حامله یافتند. (متی ۱: ۱۸) چنان که از این متن بر می آید، گویا مریم پیش از این، توسط جبرئیل از حامله شدن خویش، خبردار نشده بوده است.

بارداری مریم (در قرآن)

«و در این کتاب، مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده اش جدا شد، و در ناحیه شرقی قرار گرفت و میان خود و آنان حجابی افکند. در این هنگام، ما روح خود را بسوی او فرستادیم؛ و او در شکل انسانی بی عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد. او گفت: «من از شرّ تو، به خدای رحمان پناه می برم اگر پرهیزکاری. گفت: «من فرستاده پروردگار توام تا پسر پاکیزه ای به تو ببخشم!» (مریم: ۱۶-۱۹)

مریم گمان کرد که این جوان انسانی عادی است که در این مکان بر او پیدا شده. جوان یاد شده به او اطمینان داد و حقیقت امر را با او در میان نهاد. سپس نفخه ای در جیب پیراهن او دمید، که به رحمش رسید و بوسیله این نفخه به حضرت مسیح حامله گردید.

مفسرین گفته اند: آنکه در جیب پیراهن او نفخ کرد و از آن حامله گردید جبرئیل روح الامین، روح القدس بود. «روح الامین آن را نازل کرده است بر قلب تو، تا از اندازکنندگان باشی!» (الشعراء: ۱۹۴-۱۹۳) زیرا آنکه وحی را فرود آورده قطعاً جبرئیل بوده است. ابوحیان در تفسیرش می گوید: ملائکه خدا در صورت انسان بر او ظاهر شد تا به او انس بگیرد و از او نترسد، چون اگر در صورت و شکل ملائکه بر او نازل می شد قطعاً از او می ترسید و نمی توانست سخنان او را بشنود. سپس مریم گفت: «چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد؟! درحالی که تاکنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده ای هم نبوده ام!» (مریم: ۲۰) اما در جواب شنید که این به قدرت و اراده خدا است و هیچ چیز بر او سخت نیست و هرگاه چیزی را اراده کند، محقق می شود. گفت: مطلب همین است! پروردگارت فرموده این کار بر من آسان است! او را برای مردم نشانه ای قرار دهیم؛ و رحمتی باشد از سوی ما! و این امری است پایان یافته» (مریم: ۲۱) اما مریم پس از بارداری از خانواده اش دوری گزید؛ اما او را درد زایمان فرا گرفت و به سوی تنه نخل رفت. مریم در این حال گفت: ای کاش قبل از این مرده و از یادها رفته بودم. فرشته به مریم ندا داد که غمگین مباش! پروردگارت پایین پای تو چشمه آبی قرار داد. تو تنه درخت خرما را به سوی خود تکانی بده تا برای تو خرمای تازه فرو ریزد و از خرما بخور و از آب بنوش و چشمت را روشن دار

و بدینسان عیسی زیر پای درخت خرما، کنار چشمه گوارا متولد شد و فرشته گفت: اگر از آدمیان کسی را ببینی پس بگو همانا من برای خدای رحمان روزه (سکوت) نذر کرده ام پس امروز هرگز سخن با انسانی نمی گویم. (علامه مجلسی: ۱۳۸۵: ج ۱۳: ۱۶۳ و مکارم شیرازی: ۱۳۷۴: ج ۲۴: ۳۰۲ و النعمانی: ۱۴۲۲: ج ۱: ۲۲)

عکس العمل یهودیان نسبت به باردار شدن مریم

در انجیل ها هیچ سخنی در مورد عکس العمل یهودیان نسبت به باردار شدن مریم نیامده است؛ زیرا چنان که اشاره گردید، یوسف چیزی در مورد اینکه فرزند مریم از او نیست به مردم نگفت و تنها خود او بود که (طبق گزارش متی) از طریق فرشته‌ی الهی از واقعیت امر خبردار گردید. اما مفسرین قرآن به این موضوع پرداخته اند. برخی مدت زمان حاملگی را یک ساعت و گروهی ۹ ساعت پنداشته‌اند. عده‌ای هم آن را ۸ ماه ذکر کرده‌اند که نظر ابن عباس است. اما قول صحیح این است که او همانند سایر زنان بصورت طبیعی حامله شده و وضع حمل کرده‌است. ابن کثیر می‌گوید: ظاهر این است که همانند سایر زنان ۹ ماه به او حامله بود. روایت شده چون آثار حمل بر مریم هویدا شد اولین کسی که بر آن اطلاع پیدا کرد، یکی از نزدیکان او به نام یوسف نجار بود. بنا به روایت ابن کثیر، یوسف، پسر خاله مریم بود و از این امر شدیداً به تعجب افتاد، چون در عفت و دیانت مریم شکی نداشت و با این وصف او را حامله یافت. روزی به صورت کنایه و تعریض به او گفت: ای مریم آیا زراعت بدون بذر امکان وجود دارد؟! مریم گفت: بلی؛ چه کسی اولین زراعت را آفرید؟ یوسف گفت: آیا فرزند بدون پدر امکان دارد؟ گفت: بلی؛ خداوند آدم را بدون ذکر و انثی آفرید. یوسف گفت: داستان خود را برای من تعریف کن. گفت: «خداوند مرا به کلمه از سوی خود به نام مسیح عیسی پسر مریم مژده داده» (آل عمران: ۴۵) چون در میان بنی اسرائیل شایع شد که مریم حامله است، اندوه و حسرت فراوانی بر خانواده زکریا مستولی گردید و عده‌ای از زندیقان، مریم را متهم به رابطه نامشروع با یوسف نجار کردند چون او هم در معبد سلیمان به عبادت مشغول بود. گروهی دیگر به رابطه نامشروع با زکریا متهم کردند. ابن جریر گوید: یهود قصد کشتن زکریا را کردند از دست آنان فرار کرد. پس او به دست یهودیان مجرم به شهادت رسید. (علامه مجلسی: ۱۳۸۵: ج ۱۴: ۱۷۹-۱۸۹)

مریم، نوزاد را درحالی که بغل گرفته بود، نزد قومش آورد. آنان گفتند: ای مریم! تو چیزی عجیب (ناپسند) آوردی، ای خواهرهارون، پدرت عمران مرد بدی نبود و مادرت، حنا دختر فاقود، زناکار نبود؛ برادرت هارون و پدرت عمران و مادرت همه از پرهیزکاران و پاکدامنان هستند. این فرزند کیست که تو او را در آغوش حمل می‌کنی؟ مریم با اشاره به نوزاد به آنان پاسخ داد. آنها گفتند ما چگونه با کسی که در گهواره و کودک است سخن بگوییم؟ تو ما را به تمسخر گرفته‌ای؟ عیسی، نوزاد نورس، لب به سخن گشود و گفت: من بنده خدایم و خدا به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده و مرا هر کجا که باشم با برکت قرار داده و مرا تا زمانی که زنده‌ام به نماز و

زکات و نیکی به مادرم سفارش کرده‌است و مرا گردنکش و بدبخت قرار نداده‌است و سلام و درود بر من، روزی که متولد شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم). النعمانی: ۱۴۲۲: ج ۵: ۱۱۹. علامه طبرسی: ۱۳۷۹: ج ۱۰: ۴۷۹. علامه مجلسی: ۱۳۸۸: ج ۱: ۲۴۲)

زندگی مریم بعد از تولد عیسی)

- ازدواج یوسف با مریم و فرزندان آن دو
- نام گذاری عیسی
- شخصیت فردی مریم

ازدواج یوسف با مریم و فرزندان آن دو

چنان که از عبارت انجیل متی

(متی، ۱: ۲۴ - ۲۵)، بر می‌آید یوسف تا پیش از آنکه عیسی به دنیا بیاید با مریم هم‌خواب نمی‌شود؛ اما در مورد اینکه آیا پس از تولد حضرت عیسی، مریم را به همسری می‌گیرد یا آنکه مریم برای همیشه باکره می‌ماند، میان فرقه‌های مختلف مسیحی اختلاف نظر وجود دارد. همین مسأله سبب شده که مسیحیان در مورد اینکه آیا مریم، دارای فرزندان دیگری به جز عیسی بوده یا نه، اختلاف داشته باشند. در رساله پولس به غلاطیان ، از شخصی به نام یعقوب که به عنوان برادر حضرت عیسی یاد شده‌است). غلاطیان، ۱: ۱۹) همچنین در اناجیل، مطلبی در مورد برادران و خواهران حضرت عیسی وجود دارد. (لوقا، ۸: ۱۹ - ۲۰ و متی، ۱۲: ۴۶ - ۴۷) حتی در انجیل مرقس نام برادران حضرت عیسی ذکر شده و به خواهران وی نیز اشاره شده‌است: «مگر این نیست نجار پسر مریم و برادر یعقوب و یوشا و یهودا و شمعون؟ و خواهران او اینجا نزد ما نمی‌باشند؟» ظاهر این عبارات، آن است که حضرت عیسی، دارای برادران و خواهرانی بوده، اما این مطلب از سوی برخی از مسیحیان مردود شناخته شده‌است. آتاناسیوس در قرن چهارم میلادی، کلمه «همیشه باکره» را برای اولین بار در مورد حضرت مریم به کار برد. استفاده از این لقب به معنای آن بود که مریم، هرگز با یوسف نجار هم‌خواب نشده‌است و بنابراین، طبق باور وی، مطالبی را که در مورد برادران و خواهران عیسی در اناجیل وجود دارد باید به شکل دیگری تفسیر کرد. آباء کلیسا در شرق و غرب نیز از قرن پنجم میلادی به بعد با پذیرش نظریه آتاناسیوس، رأی به باکره بودن دائمی حضرت مریم دادند و اظهار داشتند که مریم هرگز با یوسف نجار ازدواج نکرده‌است. از نگاه کلیساهای کاتولیک و ارتدوکس، مراد کتاب مقدس از برادران و خواهران، اقوام نزدیک و خویشان حضرت عیسی هستند.

(توماس: ۱۳۷۴: ۶۷) در مقابل، مسیحیان پروتستان که باورهای خود را بیشتر بر ظواهر کتاب مقدس، مبتنی می‌کنند، با استناد به ظاهر متن انجیل‌ها بر این باورند که یوسف و مریم پس از تولد حضرت عیسی دارای فرزندان شده‌اند. به اعتقاد آنان عبارت حضرت مسیح آنجا که در انجیل لوقا می‌فرماید: «مادر و برادران من

اینان‌اند که کلام خدا را شنیده، آن را بجا می‌آورند («لوقا ، ۸: ۲۱) و (متی، ۱۲: ۴۸ - ۵۰) نشان از آن دارد که مراد، برادران واقعی حضرت عیسی هستند

زیرا در این عبارت، حضرت مسیح در پی آن است که پیروان خویش را نزدیک‌ترین افراد به خویش معرفی کند و آنها را همانند افراد خانواده خود بخواند .

لازم به یادآوری است که پدر نداشتن حضرت عیسی در مسیحیت مسئله ای اعتقادی است که فقط از انجیل معلوم شده و آن حضرت به حسب ظاهر، پدری به نام «یوسف نجار» داشته است؛ ولی همین قضیه در قرآن مجید به صورت مسئله‌ای تاریخی نقل شده، حاکی از اینکه مردم بر سر حضرت مریم که شوهری نداشته است، فریاد کشیده و او را به بی عفتی متهم کرده‌اند. از این رو لازم شده‌است که او روزه سکوت بگیرد تا خود نوزاد به قدرت خدای متعال به سخن آید و از مادرش رفع تهمت کند. «و بخور و بنوش و دیده روشن دار. پس اگر کسی از آدمیان را دیدی، بگو من برای رحمان روزه نذر کرده‌ام، و امروز مطلقاً با انسانی سخن نخواهم گفت» (مریم: ۲۶) و این که در ضمن بشارت، عیسی را به «ابن مریم» مقید نموده با آن که طرف خطاب خود مریم است، اشاره بر آن است که این فرزند بدون پدر آفریده خواهد شد.

نام گذاری عیسی)

قرآن کریم در یازده مورد، عیسی را با لقب مسیح یاد می‌کند. علامه طباطبایی در المیزان می‌فرماید: مسیح عبارت از «ممسوح» که به معنای مسح شده‌است. این که عیسی را «مسیح» می‌گویند یا برای آن است که «با یمن» و «برکت» مسح شده، یا به تطهیر از گناه‌ها، یا به روغن زیتونی که انبیاء را به آن مسح می‌کردند، او هم مسح شده، یا جهت مسح نمودن جبرئیل او را در موقع ولادت با بال خود بوده تا از وسوسه شیطان در امان باشد؛ یا به جهت مسح نمودن سرهای یتیمان یا مسح نمودن چشم کور و شفا دادن آن، یا مسح نمودن بیماران را با دست خود و بهبودی پیدا کردن آنان می‌باشد. علامه طباطبایی پس از بیان دلیل‌های یاد شده می‌فرماید: «لیکن آنچه در این باره قابل اعتماد می‌باشد، آن است که لفظ «مسیح» در ضمن بشارتی که جبرئیل به مریم داده واقع شده: «ای مریم، خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خود، که نامش مسیح، عیسی بن مریم است مژده می‌دهد. «(آل عمران: ۴۵) از طرفی، عادت بنی اسرائیل بر آن بود که پادشاهی که از ایشان می‌خواست به امر پادشاهی قیام کند، کهنه مقدس ^۱ او را مسح می‌کردند تا پادشاهی برایش مبارک شود و او را هم «مسیحا» می‌گفتند. چنان‌که در انجیل لوقا باب اول دارد: «و ملک وی را گفت که مترس ای مریم! زیرا که تو یافته‌ای نعمت خدا داد را و اینکه تو آبستن خواهی شد و خواهی زایید پسری و او را «عیسی» خواهی نامید و او شخص بزرگی خواهد بود و فرزند خدای تعالی خوانده خواهد شد و خداوند، تخت پدرش، داوود را به وی خواهد داد و بر دودمان یعقوبی تا ابد سلطنت رانده، سلطنتش را نهایت نخواهد بود. «(لوقا: ۳۴) از همین نظر است که یهود از پذیرش رسالتش سرپیچیدند و آن را بدان توجیه کردند که بشارت متضمن سلطنت و پادشاهی هم هست و این

چنین بشارتی بر عیسی قابل انطباق نیست چون او در زمان زندگی و دعوتش به سلطنت و پادشاهی نرسید. نصاری و همچنین عده‌ای از مفسران اسلامی در مقام جواب از این اشکال گفته‌اند که مراد از ملک و سلطنت، سلطنت معنوی و روحانی است، نه این که این سلطنت صوری و ظاهری مورد نظر باشد. آن‌گاه علامه، نظر خود را چنین بیان می‌دارد که بعید نیست نام نهادن آن حضرت به «مسیح» برای افاده مبارک بودن اوست؛ زیرا تدهین و مسح نمودن با روغن زیتون هم در نزد آنان برای مبارک شدن بوده‌است. چنان‌که آیه شریفه آن طفل به امر خدا به زبان آمد و گفت: من بنده (خاص) خدا هستم که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرموده و هر جا باشم، مرا مبارک قرار داده‌است؛ «کودک گفت: «منم بنده خدا، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده‌است و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته، و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده‌است. «این آیات هم آن را تایید می‌کند. (مریم: ۳۰-۳۱) در قرآن کریم، نام عیسی، ۴۵ بار آورده شده‌است. اصل واژه «عیسی»، «یشوع» است که به منجی، یعنی شخص نجات دهنده، تفسیر شده‌است. در برخی اخبار، «عیسی» را به معنی «یعیش» یعنی زندگی می‌کند، تفسیر کرده‌اند. پر واضح است که به واسطه نامیده شدن فرزند زکریا به «یحیی» و مشابهت داشتن آن دو با یکدیگر، تفسیر دومی که برای لفظ «عیسی» شده، مناسب‌تر است، چنان‌که مشابهت و همانندی کامل را در بین این دو پیغمبر بزرگوار مشاهده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ج ۳: ۳۰۳)

۱. الاویان کهنه، از اولاد لاوی، پسر سوم یعقوب و مورد احترام بودند

شخصیت فردی مریم

از آنچه گذشت می‌توان خصائص زیر را برای شخصیت مریم، با استناد به آیات و روایات در نظر گرفت؛

۱- تولد مریم به مثابه هدیه ای الهی

آنها به آسمان نگاه کرد و پرستویی را در آشیانه اش دید. آهی کشید و گفت: ای خدا یعنی می‌شود که من هم مانند او بشوم. من مثل چه هستم؟ یعنی من از پرندگان آسمان که به درگاه تو ثمری دارند، کمترم؟ فرشته‌ای از آسمان با او سخن گفت: به او گفت: آنا! خدا صدای گریه تو را شنید. ذریه تو با تمام مردم دنیا سخن خواهد گفت. او گفت اگر خدا فرزندی به من عطا کند، دختر باشد یا پسر آن را به خدا هدیه می‌کنم.

۲- عفت و باکرگی مریم

خداوند متعال در قرآن به تعریف و تمجید از مریم پرداخته است «و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود!» (التحریم: ۱۲) در سنت مسیحی، القاب و عناوین فراوانی را در مورد حضرت مریم به کار برده‌اند: «حوای جدید»، «باکره مقدس»، «مادر خدا»، «ستاره دریا»، «شفیعه»، «مادر فیض الهی»، «مادر

بسیار پاکیزه»، «آئینه‌ی عدالت»، «قرارگاه حکمت»، «آوند روحانی»، «گل سرخ رازگونه»، «صندوق عهد»، «دروازه‌ی آسمان»، «ملجأ گناهکاران و ملکه فرشتگان». یکی از دیگر القاب پرکاربرد در مورد حضرت مریم «بانوی مصیبت‌ها» است که اشاره به تحمل رنج مصلوب شدن مسیح (دارد).

۳- عصمت مریم

«عصمت» در لغت به معنای بازداشتن و نگاه داشتن از گناه است. به اصطلاح، اطلاق این لفظ بر پاکی و پاکدامنی است که از ابتدای وجود تا انتهای عمر گناه نکرده باشد. امام صادق (فرمودند: «حضرت مریم، خود را از حرام حفظ کرد که مدت آن زیاد بود، این، گواه به پاکی اوست از هرگونه پلیدی» (جاء المولی (۲۶۵: ۱۳۷۹) : پیشینه بحث در مورد عصمت مریم در فرهنگ مسیحی، به قرون وسطی باز می‌گردد. در این دوره برخی اظهار می‌داشتند که نطفه مریم به عنوان مادر خدا، بدون گناه بسته شده است. قدیس آنسلم، از مخالفان این عقیده بود و با قاطعیت این نظر را رد می‌کرد. توماس آکویناس نیز به دیده تردید به آن می‌نگریست و بر این اعتقاد بود که مریم در رحم مادرش تقدیس شده و از گناه مبرا گردید. در مقابل، داتز اسکوتس آموزه معصومیت مریم را مطرح ساخت؛ دیدگاهی که بر اساس آن، مریم نه تنها در زمان حیاتش و در زمان تولدش بلکه از زمان انعقاد نطفه‌اش به واسطه فیض الهی از گناه نخستین، مبرا بوده است. در نهایت کلیسای کاتولیک، نظریه اسکوتس را پذیرفت و پاپ پیوس نهم در سال ۱۸۵۴، این عقیده را به عنوان یک آموزه خطاناپذیر مطرح ساخت. البته از نگاه کاتولیک‌ها، عصمت مریم، یک امر ذاتی برای او نیست اما از آنجا که وی مادر خدا بوده و به خاطر فیض الهی، در سراسر زندگی از هرگونه گناهی معصوم بوده است. عصمت مریم به معنی پاکی او از گناه شخصی و هرگونه کاری است که با کمال منافات دارد. همچنین مریم از هرگونه خطای اخلاقی نیز مبرا دانسته شده است. در کلیسای ارتدوکس تعلیمی در این مورد وجود ندارد و بسیاری از الهی‌دانان این کلیسا منکر عصمت مریم از گناهان هستند. به اعتقاد آنان، بی‌گناهی صفتی است که تنها اختصاص به حضرت مسیح دارد. (اینار: ۱۳۸۷: ۵۳)

۴- محدثه بودن و توان سخن گفتن با فرشتگان

چون مریم بانویی پاک و برگزیده از سوی خداوند بود، فرشتگان بر او نازل می‌شدند و می‌گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر همه زنان جهان، برتری داده است «و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.» (آل عمران: ۴۲) در آیات آخر سوره تحریم، خداوند تعالی چنین فرموده است: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ. . . و مَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتُ مِنَ الْقَانِتِينَ» خداوند برای مؤمنان همسر فرعون را مثل زده. خدای متعال در آیات فوق از دو شخصیت بارز و ممتاز نام برده و برخی از صفات و خصوصیات آن دو بزرگوار را به عنوان مثل یاد کرده است. شخصیت دومی که خدای سبحان در این آیات خصوصیات او را به عنوان مثل ذکر فرموده مریم است قرآن کریم همچنین از تکلم پروردگار سبحان با مریم سخن گفته است؛ در این موضع خداوند، ابتدا می‌فرماید:

«إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ» (آل عمران: ۴۵) سپس در ادامه از عرض حال مریم به پیشگاه خداوند ذکر می‌کند و می‌گوید: «قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ» (آل عمران: ۴۷) بی تردید این شیوه از سخن گفتن در مرتبه ای فوق نزول ملائکه قرار دارد؛ زیرا در آیه شریفه سوره شوری خداوند راه‌های تکلم خود را با بندگان بیان فرموده، و وحی مقدم بر فرستادن رسول و ملائکه آمده بود.

۵-تعبد و عبادت مریم

مریم در لوای سرپرستی زکریا بزرگ شد. وی چنان در بندگی خدا غرق بود، که در ۹ سالگی، روزها روزه بود و شب‌ها به عبادت می‌پرداخت. آنچنان در تقوا و شناخت پروردگار پیش رفت که بر احبار و دانشمندان پارسای آن زمان پیشی گرفت.

«ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری داده‌است. ای مریم! (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده به جا آور و با رکوع‌کنندگان رکوع کن!» (آل عمران: ۴۲-۴۳)

۶-خوردن روزی بهشتی

زکریا هر بار که در محراب بر او وارد می‌شد، نزد او خوراکی می‌یافت. می‌گفت: «ای مریم، این از کجا برای تو آمده‌است؟ او در پاسخ می‌گفت: «این از جانب خداست، که خدا به هر کس بخواهد، بی‌شمار روزی می‌دهد.» (آل عمران ۳۷): از روایت‌ها برمی‌آید که غذا، گونه ای میوه بهشتی بوده که در زمانی غیر از فصل به بار نشستن آن، در آنجا حاضر می‌شده‌است. علامه طباطبایی در ذیل این آیه شریفه و در توضیح این که چرا خداوند «رزق» را بدون الف و لازم آورده‌است، می‌فرماید: این نکته اشاره به این است که رزق نامبرده، طعام معهود در بین مردم نبوده؛ همچنان که بعضی هم گفته‌اند که زکریا در آنجا میوه زمستانی را در تابستان و میوه تابستانی را در زمستان می‌دید. که خود بر کرامت خدایی نسبت به مریم دلالت می‌کرده. . . در اینجا بود که او نیز کرامت الهی را طمع کرده از حضرتش درخواست فرزند طیب کرد (طباطبایی، ۱۳۸۷: ج ۳: ۳۰۵)

۷-صدیقه بودن حضرت مریم

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته حضرت مریم، بسیار راستگو بودن ایشان است. قرآن نیز در این باره شهادت می‌دهد و می‌فرماید: «مسیح فرزند مریم، فقط فرستاده بود؛ پیش از وی نیز، فرستادگان دیگری بودند، مادرش، زن بسیار راستگویی بود» (المائدة: ۷۵). قرآن از مریم به عنوان «صدیقه» یاد کرده‌است. صدیقین گروهی هستند که با انبیاء و صالحین و شهدا همراه و هم قافله‌اند. کسی که مطیع خدا و رسولش باشد او همسفر قافله ای است که اهل آن عبارتند از: نبیین، صدیقین، شهدا و صالحین» (نساء: ۶۹)

۱۰. ای پیامبر یاد کن زمانی را که فرشتگان گفتند: ای مریم خدا تو را به کلمه ای از جانب خود که نامش مسیح

پسر مریم است، بشارت می‌دهد. ۲۰ مریم گفت: پروردگارا چگونه مرا فرزندی باشد درحالی که هیچ بشری مرا لمس نکرده است؟ فرشته گفت حقیقت همان است که به تو نوید دادم. خدا هرچه خواهد می‌افریند. (برگرفته از ترجمه قرآن بر اساس تفسیر المیزان)

بررسی عناصر داستانی در سریال مریم مقدس

این سریال بدون آنکه نگاه تازه ای به تاریخ داشته باشد و در متن اثر گرهِ افکنی خاصی ایجاد کند از تولد مریم تا تولد عیسی را در بر می‌گیرد. حتی برای دراماتیزه شدن فیلم کمتر از اوج و فرود، قهرمانان و ضد قهرمانان استفاده می‌شود و تنها کشمکش مختصر بین کاهنان رخ می‌دهد.

قهرمان اصلی مریم است و زکریا دیگر قهرمانی است که او را در رسیدن به اهدافش یاری می‌دهد. تنها ضد قهرمان پر قدرت، یساکار، یکی از کاهنان بزرگ است و هرود، پادشاه یهود نیز ظاهراً یکی دیگر از ضد قهرمانان است که هیچ کاری از دستش برنمی‌آید و برخورد مشخصی با مسیحایی که می‌خواهد جای او را بگیرد ندارد.

خلاصه داستان مریم در سریال مریم مقدس

در ابتدای تیتراژ جمله‌ای بر روی صفحه سیاه رنگ ثبت می‌شود «این فیلم بر اساس زندگی حضرت مریم آن‌چنان که در قرآن و روایات اسلامی آمده، ساخته شده است.» «فیلم با کابوس دهشناک پادشاه شروع می‌گردد. از طریق نریشن درمی‌یابیم که زمان و مکان این داستان شانزده سال قبل از میلاد است، عمران نبی، پیامبر قوم بنی‌اسرائیل شروع پیشگویی می‌کند که فرزندش مسیحای قوم یهود خواهد شد. با تولد مریم، اهالی اورشلیم و جلیلیه به شدت ناراحت شده و حنا را به خاطر آوردن دختر مورد تمسخر و آزار قرار می‌دهند و دخترش را مایه ننگ می‌دانند. تنها زکریای نبی و همسرش ^۱ تولد مریم را موجب خیر و برکت می‌دانند. پادشاه یهود نیز شادمان است چراکه یک دختر نمی‌تواند در پادشاهی او خللی وارد کند. نکته مهم و حساس در جریان تولد مریم، نذر مادر است؛ از آن جایی که حنا نذر کرده فرزندش مریم، خدمتگزار خداوند باشد، او را با وجود عشق بسیار، نذر معبد می‌کند درحالی‌که از پذیرفته شدن او توسط کاهنان مطمئن نیست. در سکانس بعدی، شش سال گذشته است و مریم نوزاد، در میان دشت بکر و سبزی نشسته است و به کوه‌هایی می‌نگرد که مادرش گفته، که در آن سوی آنها اورشلیم است و او باید در آنجا زندگی کند. در سکانس بعد، مخاطب شاهد مناظره کاهنان بر سر پذیرفتن مریم در معبد سلیمان هستند چرا که تا آن زمان بارها کودکان بسیاری به خاطر نذر مادرانشان به خدمت معبد گمارده شده اند ولی سابقه نداشته که دختری به خدمت معبد در آید؛ چون که ورود زن و دختر به معبد حرام است. اما زکریا که به این نذر حنا ایمان دارد، حجره ای جداگانه برای مریم می‌سازد تا وی بتواند علی‌رغم مخالفت‌های کاهنان در آنجا ماندگار شود.

در سکانس بعد نزاع کاهنان بر سر سرپرستی و تکفل مریم شکل می‌گیرد و قرار بر این می‌شود که بین افراد

داوطلب قرعه‌کشی شود و به خواست خداوند قرعه نیز به نام زکریای نبی می‌افتد. سکانس بعد مناجات مریم است که می‌گوید «پروردگارا منم مریم، خدمتکار تو، می‌دانی که پدر ندارم و از مادر جدا می‌شوم تا برای خدمت به نزد تو بیایم. خدایا به این کنیز خدمتکارت نیرویی عطا بفرما که دوری مادرش را تحمل کند و به مادر قدرت عنایت کن تا این دوری را بپذیرد.» سپس مریم با مادرش خداحافظی کرده و به همراه زکریا راهی معبد سلیمان در شهر اور شلیم می‌شود. مریم از میان کاهنان عصبانی و در سکوتی محض وارد حیاط معبد می‌شود و سجده شکر به جای می‌آورد. در سکانس بعد مخاطب شاهد بی‌حالی و بیماری مادر مریم و کار کردن‌های خود مریم در معبد است. در سکانس بعد، بنا بر دیالوگ بین مریم و زکریا مشخص می‌شود که ۶ ماه و ۱۷ روز از اسکان مریم در معبد سلیمان گذشته است و مریم منتظر است تا مادرش به دیدن او بیاید، غافل از اینکه حنا فوت کرده و مریم یتیم شده‌است. مریم پس از اطلاع از این مصیبت دلشکسته و غمگین به تسبیح و ذکر مشغول است. اما مخاطب صدایی از مریم نمی‌شنود و این تصویر، روی تصویر مریم شانزده ساله دیزالو می‌شود که در همان مکان، تسبیح در دست دارد. یهودیان در هر فرصتی که پیش می‌آید شروع به تمسخر زکریا و همسرش می‌کنند که فرزندی ندارد تا چراغ خانه‌اش روشن شود. زکریا دلشکسته می‌گرید و بنا به گفته مریم «از پروردگار می‌خواهد که حاجتی برایش بفرستد تا دل سوخته‌اش تسکین یابد.» سپس به عبادت می‌پردازد و می‌گوید: «من از عموزادگانم بیم دارم، اما تو بی حساب عطا می‌کنی به هر کس که بخواهی، پس به من فرزندی عطا که وارث من و دودمان یعقوب باشد.» و صدای جبرئیل را می‌شنود که پاسخ می‌دهد: «بشارت باد به تو فرزندی که نامش یحیی است و پیش از آن کسی به این نام متولد نشده‌است.» زکریا که خود را پیرمردی ناتوان می‌داند و همسرش را نازا، ناگهان در می‌یابد که همسرش باردار است و او چون ابراهیم در پیری صاحب فرزندی خواهد شد. پس از تولد یحیی مریم به دیدار همسر زکریا می‌رود و هنگام در آغوش گرفتن یحیی می‌گوید که کودک چه چهره دلپذیر و آشنایی دارد و گویی سالها او را می‌شناسد. مریم اینک حدود ۱۶ سال دارد؛ در مسیر بازگشت از اورشلیم به یک خانواده غیر یهودی برخورد کرده و به اصرار آنها برای کودک دعا می‌کند. او وقتی در اتاق خود مشغول استراحت است، صدای کسی را می‌شنود: «این پیام پروردگار توست که تو را برگزیده و پاک گردانیده و از میان همه زنان تو را برای امر بزرگی انتخاب نموده‌است. مریم از دستورات پروردگارت اطاعت کن و برای او سجده کن و به نماز بایست.» مریم برای اولین بار به داخل قدس می‌رود و در صف نماز کاهنان می‌ایستد. ولی آنان با دیدن وی برآشفته شده و همه و نزاعی بین کاهنان مخالف با مریم و حضور وی در معبد در می‌گیرد. سپس زکریا را فرا می‌خوانند و از او سوالاتی می‌کنند که چه کسی اجازه ورود به معبد را به مریم داده و زکریا اعلام می‌کند که به مریم وحی شده‌است و کاهنان شروع به تمسخر زکریا می‌کنند که «پیش از این می‌گفتی بر تو وحی نازل می‌شود و حال می‌گویی بر مریم نیز وحی نازل می‌شود.» عقیده کاهنان این است که تا به حال خداوند با هیچ زنی سخن نگفته و فقط با مردان سخن گفته و اگر قرار بود با کسی سخن بگوید، باید بر کاهن اعظم، هیدر، وحی نازل می‌شد. آنان زکریا را دروغگو و دیوانه می‌پندارند که دخترکی وی را سحر و جادو کرده‌است. در نظر آنها قوم یهود برترین نژاد روی زمین است و هر کس بخواهد جلوی آنها را بگیرد، نابود خواهد شد. کاهنان مجازات ورود زن به صحن معبد را مرگ می‌دانند،

ولی زکریا معتقد است حقیقت آیین یهود برای زنان شخصیت قائل است؛ چون مردان از تربیت آنها شخصیت می‌یابند. زکریا از مریم می‌پرسد که برای چه به او وحی شده‌است که در پشت سر افراد خطاکاری چون یساکار و کاهنان دیگر نماز بخواند؟ مریم دیدارش با فرشتگان را به زکریا می‌گوید و صدایی که او را جزء چهار زن برگزیده عالم دانسته است و به همراه آن بانو که دختر پیامبر آخر زمان است، از جمله زنان بهشتی است. سکانس بعدی مربوط به صحنه چشمه است که مریم با فرشته‌ای خداوند، جبرئیل، برخورد کرده و از فرزند دار شدن خود مطلع می‌گردد. پس از سکانس چشمه، مریم متوجه تغییرات فیزیکی در جسم خود شده اما با کسی در این باره حرف نمی‌زند. ابتدا همسر زکریا متوجه بارداری او شده و زنان دیگر هم علائم بارداری را در وی می‌بینند و به او تهمت می‌زنند. کاهنان هم که منتظر چنین فرصتی هستند، به تخریب شخصیت او و همچنین زکریا می‌پردازند و تصمیم به قتل آنها دارند. بین کاهنان درگیری ایجاد می‌شود؛ یساکار جای کاهن اعظم را می‌گیرد و مریم را از معبد بیرون می‌راند. از آن سو مریم در بیابان از درد به خود می‌پیچد تا اینکه در کنار تنه خشک نخلی می‌نشیند و باز با خداوند به مناجات و راز و نیاز می‌پردازد. عیسی متولد می‌شود و زکریا، اولین کسی است که تولد مسیح را درک می‌کند. پای همان درخت و درحالی که مریم فرزند پاکش را در آغوش دارد وحی نازل می‌شود که «مریم بیمناک نباش، به زمین زیر پایت نگاه کن، چشمه‌ای خارج می‌شود از آن بنوش و خود را سیراب کن. نخل خشکیده را تکان بده تا برایت خرما بیفکند. شادمان باش و مسیح را شیر بنوشان.»

مریم به اورشلیم باز می‌گردد .

مردم جلوی معبد جمع شده‌اند تا او و فرزندش را که ثمره یک گناه است، بسوزانند؛ چرا که وی برای قوم بنی‌اسرائیل و معبد مقدس رسوایی ایجاد کرده‌است. ناگهان طفل سخن می‌گوید و خود را نشانه و پیامبر خدا معرفی می‌کند. کاهنان از دیدن چنین صحنه‌ای از تعجب و وحشت پا به فرار می‌گذارند و فقط زکریا، یاران اندکش و منجمین یکتاپرست ایرانی، از این اتفاق شاد و مسروراند. سایر مردم به مریم و فرزندش تعظیم و تکریم می‌کنند و او را به عنوان معجزه‌ای برای مردم جهان می‌پذیرند .

پیام اصلی این سریال بیان جایگاه و مقام حضرت مریم است که جایگاه او آن طور که شایسته بود نمایش داده نشده‌است. هم شخصیت مریم و هم شخصیت زکریا در مقایسه با آنچه که در قرآن و تفاسیر آمده تک بعدی است. پیام فرعی این سریال تبیین جایگاه زن در دین مسیحیت است که سریال در الگودهی و پیام‌رسانی فرعی، تا اندازه‌ای موفق بوده‌است. این سریال سعی داشته که با بیان زندگانی حضرت مریم، اثبات نماید که یک زن می‌تواند به اوج معنویت و انسانیت رسیده و با تمام سختی‌ها دست و پنجه نرم کند و از جوسازی‌ها و تهمت نهراسد. سریال در بیان پیام رسانی فرعی موفق بوده و الگوی خوبی ارائه داده‌است .

۵- جذابیت‌های غیر دراماتیک

«مریم مقدس» با بهره‌گیری از تصاویر عریض سینمایی، همراه با حرکات دوربین و استفاده از حرکات و زوایای مختلف فیلمبرداری، طراحی صحنه و لباس پر طمطراق، همراه دکورهای حجیم و البسه پر زرق و برق کاهنان،

دیالوگهای سنگین و گرمهای اغراق شد، باعث ایجاد جذابیت برای تماشاگر می‌شود. مخصوصاً که موسیقی نسبتاً متفاوتی استفاده می‌شود که حس و حال کارهای مذهبی و تاریخی را افزایش می‌دهد و می‌توان گفت بیشترین بار دراماتیکی فیلم نیز بر عهده آن است؛ علی‌رغم جوازیه که موسیقی این کار به دست آورده است نباید از نظر دور داشت که تم و نحوه ترکیب بندی موسیقی، بیشتر یادآور موسیقی مذهبی قرون وسطی است.

۱۱. الیصابات یا الیزابت

شخصیت پردازی مریم در سریال مریم مقدس

تلاش شده تا مریم به تبع قهرمان بودنش، بیشتر شخصیت پردازی شود و در سکانس‌های مختلف جزئیاتی از رفتار و کردار او برای تماشاگر آشکار گردد. مثلاً وقتی زنی او را مریم قدیس خطاب می‌کند، وی جواب می‌دهد که فقط مریم است و یا وقتی که یکی از فرماندهان هرود که غیر یهودی است، فرزند بیمارش را پنهانی به نزد او می‌آورد و همسرش سرافینا، خواستار شفای وی می‌شود، مریم می‌گوید که فقط می‌تواند دعا کند و شفا خواست پروردگار است و در نهایت به فرمانده متذکر می‌شود که عشق او به همسر و فرزندش باعث نجات وی خواهد شد. اما همین مریم در برخورد با زکریا، تواضع را فراموش می‌کند و همیشه اول زکریا سلام می‌دهد و او فقط پاسخ گوید. در نهایت، شخصیت پردازی او نمی‌تواند ما را به درک پیچیدگی موقعیت او کمک کند؛ او دختری است که با کاهنان در می‌افتد، انگ بدنامی به او زده می‌شود، حال آنکه همواره عفت و دامن خود را حفظ کرده است، اما آنچه نمایش داده می‌شود، شخصیتی است که ویژگی‌های انسانی او به خصائصی فرشته گون بدل شده است و به این ترتیب بزرگترین مزیت داستان مریم از دست می‌رود: درک عظمت خداوند توسط یک انسان.

روش شرح مستقیم

در بیشتر صحنه‌های سریال شرح مستقیم وجود دارد که ذیلاً به آنها اشاره می‌گردد. در ابتدای تیتراژ جمله‌ای بر روی صفحه سیاه رنگ ثبت می‌شود با این عنوان: «این فیلم بر اساس زندگی حضرت مریم آنچنان که در قرآن و روایات اسلامی آمده، ساخته شده است.» این جمله در عین استناد به آیات و روایات اسلامی، اولین شخصیت پردازی مستقیم خود را انجام می‌دهد و آن این است که حضرت مریم که در آیات مبارک قرآن مجید از آن ذکر شده است، مورد تایید روایات اسلامی اعم از شیعه و سنی است. در بیشتر سکانس‌های این سریال، راوی که به مخاطب اطلاعات لازم را ارزانی می‌دارد، حضور دارد

در سکانسی مریم در دشتی پر از گل راه می‌رود و با خداوند در حال راز و نیاز است و در این سکانس خودش را بیشتر معرفی می‌کند و می‌گوید: «خداوندا منم مریم! خدمتگذار تو! پدر ندارم، از مادرم هم جدا می‌شوم که به نزد تو بیایم. خدایا به این کنیز خدمتگذارت نیرو عطا بفرما که دوری از مادرش را بتواند تحمل کند. به مادرم نیز نیرو عطا بفرما که این دوری را بپذیرد.» اگرچه در این سکانس، مکان و صحنه تاثیر شگرفی در احساسی کردن موضوع دارد اما در قرآن مجید خبری از جریان دوری مریم از خانواده‌اش نیست.

در سکانس داخل معبد، کاهنان مشغول صحبت کردن با هم در ارتباط با تجارت هستند، کاهن بزرگ یساکار دچار ضعف می‌شود و فرد کاسب که در آنجا حضور دارد، از یساکار می‌خواهد که او هم از مریم شفا طلب کند. در این چند جمله که کاهنان ایراد می‌کنند، منزلت مریم در میان مردم به عنوان یک شفا دهنده آشکار می‌شود. ما از این شکل شخصیت پردازی مستقیم اطلاعات زیر را به دست می‌آوریم: مردم به او و شفا بخشی او ایمان دارند؛ مریم از شدت عبادت و روزه‌داری، بیمار شده است؛ کاهنان همچنان مثل ۱۶ سال پیش که از تولد او ناراحت بوده‌اند، هنوز هم با او مشکل دارند؛ کاهنان از اینکه مریم در میان مردم، قداست و جلال بیابد بیمناک‌اند.

ب) شخصیت پردازی غیرمستقیم

هرود، پادشاه کشور یهودیه با دیدن خواب وحشتناک، به بالاترین نقطه قصر خود می‌رود و از شدت ترس و اضطراب فریاد می‌کشد که خبر از ترس هرود برای از دست دادن پادشاهی‌اش توسط منجی قوم یهود می‌دهد و وقتی که مشاور خبر به دنیا آمدن مریم را به هرود می‌دهد، او خوشحال می‌شود چرا که به زعم او دیگر چیزی یا کسی تاج و تخت او را تهدید نمی‌کند. این سکانس هیچ ارتباطی به داستان مریم در قرآن نداشته و در کلام الهی به آن پرداخته نشده است.

در سکانس دیگر که در معبد و نشان ریاکاری کاهنان معبد است، اختلاف در سرپرستی مریم است که غیر مستقیم نشان می‌دهد که مریم دارای خاندان و خانواده بزرگی است و هر کدام از کاهنان می‌خواهند او را که هم پیامبرزاده و دارای مقامی در نزد زکریا است، از آن خود کنند.

مریم علی‌رغم حرام بودن حضور زنان در معبد، برای اسکان وارد معبد می‌شود و این رویداد که برای اولین بار در معبد رخ داده‌است، نشان از تفاوت ویژه مریم نسبت به زنان دیگر دارد.

مریم در حالت کودکانه‌ای با مادر خود خداحافظی می‌کند که مشخص می‌کند که مریم هنوز به مادر خود نیازمند است و نمی‌تواند از او دل بکشد اما به خاطر نذر مادر بر خودش غلبه می‌کند.

مریم پس از اطلاع از مرگ مادر در خلوت حجره‌اش آرام می‌نشیند و به ذکر مشغول می‌شود.

در یک سکانس مریم غذایش را به زنی می‌دهد که از او برای کودک خردسال و بیمارش تبرک می‌خواهد و زمانی که زنی که در معبد است به او می‌گوید که آنها به دروغ از بیماری و تبرک غذای تو حرف می‌زنند که شکم خود را سیر کنند؛ او از این موضوع مطلع است

در سکانسی، فرمانده رومیان مسیر راه مریم را می‌گیرد و از او برای بیماری دخترش شفا می‌طلبد. این سکانس

هم از همان مورد قبل است که کارگردان برای نشان دادن ویژگی اخلاقی و مثبت مریم، او را در تقابل با بدی قرار می‌دهد.

عفت مریم مانع از آن می‌شود که خبر بارداری خود را به زکریا بدهد. در تاریکی شب از مردم دور می‌شود و به خدا پناه می‌برد. او حتی نمی‌تواند با زکریا و همسر او در ارتباط با جریانی که برایش رخ داده، تکلم کند و یا به خانه آنها پناه ببرد؛ چرا که می‌ترسد زکریا به خاطر بارداری مریم، مورد تمسخر و بازخواست مردم واقع شود. در دیالوگ بین فرمانده رومی و مریم، مریم به فرمانده رومی خبر از نجات می‌دهد و علت این نجات یافتن را عشق او به همسر و فرزندش مطرح می‌کند

تغییر در شخصیت مریم

دگرگونی مریم با توجه به جریان منطقی داستان برای مخاطب باورپذیر از کار درآمده است؛ هرچند همانطور که اشاره شد این دگرگونی از فراز و فرود مناسبی برخوردار نشده است؛ مریم قدرت مبارزه با کاهنان معبد سلیمان را در خود نمی‌بیند، پس تمام سعی خود را در حفظ ایمان خود به پروردگارش را به کار می‌گیرد. همانطور که در سریال مشاهده می‌گردد هر جا که مریم کاری انجام می‌دهد، کاهنان به بازخواست زکریا می‌پردازند. زکریا که ایمان قلبی شدیدی به خداوند و مریم دارد، در تمامی موارد حامی و پشتیبان واقعی اوست. پس از تولد این دختر که موجب ناراحتی یهودیان منتظر موعود می‌شود، جریان نذر حنا برای بخشیده شدن مریم به معبد سلیمان مطرح می‌شود؛ کاهنان دوباره تمام تلاش خود را برای مخالفت با این واقعه ابراز می‌دارند اما این بار هم به خواست خداوند و اصرار زکریا، بار دیگر مخالفت کاهنان سرکوب شده و نگاه پیروان زکریا و حتی یهودیان و مخالفان نیز به کاهنان کمی تغییر می‌کند و این رویداد به جایی می‌رسد که مردم برای طلب شفا و زیارت مریم مقدس به معبد می‌آیند و این موضوع به رنجش کاهنان می‌انجامد. مریم از همان ابتدای تولد در سختی و تنگنا قرار دارد اما در تمام سختی‌ها لحظه‌ای از یاد خداوند غافل نیست و مخاطب همواره در سریال شاهد مناجات مریم با خداوند است. جریان بارداری مریم، اوج داستان اوست که این تنگنا را صد چندان می‌کند.

قابلیت استناد در قصه و سریال

این مجموعه از روی قصه قرآنی اقتباس و برگرفته شده است و در این اقتباس وجوه اشتراک و افتراق متعددی هم عنوان شده است اما از عناصر قابل استناد آن می‌توان به شخصیت‌پردازی خاص حضرت مریم است. در قرآن مجید، مریم به عنوان یکی از پاک‌ترین و با عصمت‌ترین زنان جهان معرفی شده است. زنی که اوج داستان زندگی او مربوط به بارداری ایشان و متولد شدن حضرت عیسی (است؛ و مخاطب قرآن تحت تأثیر شدید

این اتفاق قرار می‌گیرد به نحوی که اتفاقات دیگر داستان، به عنوان فریاتی برای این اتفاق اصلی قلمداد می‌گردد. اما در فیلم‌نامه، شخصیت‌پردازی در تمام موقعیت‌های زندگی مریم، کاملاً یکنواخت و بدون تغییر و تحول است؛ مریم در تمام موارد زنی آرام و گوشه‌گیر و تنها است و مهمترین سکانس‌های این فیلم‌نامه به اختلافات کاهنان معبد سلیمان در ارتباط با مریم باز می‌گردد و این در حالی است که خود مریم حضور ندارد. مریم وقتی که از مرگ مادرش مطلع می‌شود، چنان اندوهگین و ناراحت است که شاید باعث می‌شود، اشکی در چشمان بینده هم حلقه بزند و تحت تاثیر قرار بگیرد اما زمانی که در سرچشمه با فرشته وحی ملاقات می‌کند، بسیار عاقلانه برخورد کرده و فقط کمی می‌هراسد.

شخصیت‌پردازی مریم در سریال بسیار کلیشه ای شده و این به خاطر حوادث جزئی و فرعی است که برخلاف قصه قرآن، در سریال به وفور مشاهده می‌شود؛ داستان جدایی مریم از مادرش یکی از این فرعیات است که فقط به خاطر تحریک احساسات مخاطب تا به این دچار لحن احساساتی شده است. مریم زنی است که مادر او را نذر معبد نموده و هر روز، او را به این موضوع متوجه نموده است، ولی وقتی به عمل می‌رسیم دست و پای مریم و مادر می‌لرزد و از اینکه از هم دور شوند دچار نگرانی و ناراحتی هستند. موضوع بعد، اختلاف شدید بین کاهنان و زکریا است؛ مخاطب هیچ کار خارق العاده و یا تبلیغی و خاصی از زکریا نمی‌بیند که پی به پیامبر بودن او ببرد. موضوع فرعی دیگر، دلتنگی‌های مادر در دوران دوری از مریم و بعد از مرگ مادر است که باعث عاطفی شدن مخاطب و جذب او برای تماشای ادامه داستان است، بدون اینکه بهره معنایی داشته باشد.

در قصه قرآن، داستان مریم از جایی شروع می‌شود که مخاطب به سمت آن جذب شده و توقع شنیدن ادامه آن را دارد. «و چون او را بزاد گفت: پروردگارا، فرزندم دختر است و خدا بر آنچه او زاییده دانایتر است و پسر مانند دختر نخواهد بود، و من او را مریم نام نهادم و او و فرزندانش را از شر شیطان رانده شده در پناه تو آوردم.» (آل عمران: ۳۶) مادر مریم نذر کرده فرزندش را به معبد بفرستد اما این نوزاد دختر است و ورود دختر به معبد جزء محالات ممکن آن دیار است. پس چه خواهد شد؟ آیا خداوند نذر حنا را نپذیرفته است؟ آیا با تولد این دختر، تحولات عظیمی در ساختار دینی یهود ایجاد خواهد شد؟ مخاطب ناخواسته به ادامه داستان مشتاق است؛ ادامه داستان، این دلهره مخاطب را به سرعت از بین برده و گره ایجاد شده را حل و فصل میکند: «پس خدا او را به نیکویی پذیرفت و به تربیتی نیکو پرورش داد و زکریا را برای کفالت و نگهداری او برگماشت؛ هر وقت زکریا به صومعه عبادت مریم می‌آمد نزد او رزق شگفت آوری می‌یافت، گفت که ای مریم، این روزی از کجا برای تو می‌رسد؟ پاسخ داد که این از جانب خداست، همانا خدا به هر کس خواهد روزی بی‌حساب دهد.» (آل عمران: ۳۷) مخاطب در همین یک آیه، شخصیت والای مریم را شناسایی می‌کند که او در زمان زکریا می‌زیسته و اینکه تحت تکفل چنین پیامبر دانایی قرار دارد، مسلماً درجه لیاقت او بسیار بالا و ویژه است و از سوی دیگر، او زن عابد و فاضلی است که هرگاه زکریا به خانه او می‌رود او را مشغول به عبادت و در محراب می‌بیند و مهمتر از همه اینکه او غذای بهشتی تناول می‌کند و این موضوع برای مخاطبی را که نگران عدم ورود مریم به معبد بود، آرام می‌کند که نذر مادر مریم پذیرفته شده و مریم اینک علاوه بر خدمت در معبد، لیاقت تناول غذای بهشتی را نیز کسب کرده است.

اتفاق مهم در قصه قرآن زمانی است که مخاطب شاهد تکلم فرشته و مریم است که: «و (یاد کن) آن گاه که فرشتگان گفتند: ای مریم، همانا خدا تو را برگزید و پاکیزه گردانید و بر زنان جهانیان برتری بخشید. . . چون فرشتگان مریم را گفتند که خدا تو را به کلمه خود بشارت می‌دهد که نامش مسیح (عیسی) پسر مریم است، که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان (درگاه خدا) است.» (آل عمران: ۴۵ و ۴۲) مخاطب باز دچار دلهره شده و ادامه داستان را پی می‌گیرد که چه خواهد شد؛ مریم که تا اینجا دامن زنی عفیف و پاک‌دامن بود حال چه شده است و کاهنان و نظر تنگان با او چه خواهند کرد؟

مخاطب خودش را در اتفاق بزرگی که برای مریم رخ داده شریک می‌داند که باز ندای امید بخشی به آن دلهره، پایان می‌بخشد که «آن‌گاه درد زاییدن او را به کنار درخت خرمایی کشانید. گفت: ای کاش من از این پیش مرده بودم و از صفحه عالم به کلی نامم فراموش شده بود. پس از زیر آن درخت او را ندا کرد که غمگین مباش که خدای تو از زیر قدم تو چشمه آبی جاری کرد.» (مریم: ۲۳ و ۲۴) مریم که نسبت به خداوند ایمان قلبی دارد از قوم خود دور می‌شود. «و یاد کن در کتاب خود احوال مریم را آن‌گاه که از اهل خانه خویش کنار گرفته به مکانی به مشرق روی آورد.» (مریم: ۱۶) مریم فرزند خود را به دنیا آورده و به سوی قوم خویش باز می‌گردد که «آن‌گاه کودک را برداشته نزد قوم خود آورد. گفتند: ای مریم عجب کاری منکر و شگفت‌آور کردی!» (مریم: ۲۷) اما مریم به اذن خداوند کلامی سخن نگفت. «مریم به اشاره حواله به طفل کرد، آنها گفتند: ما چگونه با طفل گهواره‌ای سخن گوئیم؟ آن طفل گفت: همانا من بنده خاص خدایم که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود و مرا هرکجا که باشم مایه برکت گردانید، و تا زنده‌ام به عبادت نماز و زکات سفارش کرد و مرا نیکوکار به مادرم ساخت و مرا ستمکار و شقی نگرداند» (مریم: ۳۲-۲۹)

فهرست منابع

- النعمانی، محمد ابراهیم، ۱۴۲۲، سفینه البحار، انتشارات انوار الهدی .
 اینار، مولند، ۱۳۸۷، جهان مسیحیت، ترجمه: محمد باقر انصاری، انتشارات امیر کبیر .
 توماس، میشل، ۱۳۷۴، کلام مسیحی، ترجمه: حسین حقی، انتشارات سمت .
 تونی، لین، ۱۳۷۸، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه: روبرت آسریان، انتشارات ایلام .
 جادالمولی، محمد احمد، ۱۳۷۹، قصص القرآن، ترجمه: مصطفی زمانی، انتشارات پژوهاک اندیشه .
 دورانت، ویل، ۱۳۷۰، تاریخ تمدن، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی .
 طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۹، ترجمه تفسیرالمیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۵. تهران، دفتر انتشارات دارالکتب اسلامیة
 طبرسی، امین الاسلام، ۱۳۷۹، مجمع البیان، انتشارات ذخائر اسلامی .
 غرناطی، ابو حیان، ۱۳۴۴، تفسیر تبیان، انتشارات دارالکتب اسلامی .
 مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۵، بحارالانوار، جلد ۴۳، انتشارات فقه .

- مجلسی، محمد باقر، ۱۳۸۸، حياه القلوب، انتشارات فراگفت زبان .
- محلاتی، ذبیح الله، ۱۳۶۴، ریاحین الشریعه، انتشارات دارالکتاب .
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین .
- مونتگری، ویلیام، بی تا، برخورد آرا مسلمانان و مسیحیان، ترجمه: محمد حسین آریا، انتشارات تهران.